

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۳ جنوری ۲۰۲۴

اسرائیل بعد از ۷ اکتوبر، اسرائیل قبل از آن نیست

پیروزی راهبردی سازمان آزادیبخش حماس

«مرکز سنجش افکار عمومی «داهلیا شایندلین» (Dahlia Scheindlin) در اسرائیل نوشته است که حماس به روشنی نمره یک در مبارزه علیه اسرائیل است.» (مجله اشپیگل المان شماره ۵۱ مورخ ۱۶/۲۰۲۳/۱۲). در همان مجله آمده: «سازمان فتح غیرمذهبی که اداره خودمختاری در کرانه باختری را نظارت می‌کند برخلاف حماس عملاً پوچ شده است.»

این واقعیت آن است که مردم دنیا، که در اکثریت خود می‌اندیشند و می‌فهمند به آن واقف می‌باشند. حماس که به صورت دموکراتیک به عنوان نماینده مردم فلسطین انتخاب شده و برای رهائی فلسطین از چنگال صهیونیسم استعمارگر مبارزه می‌کند و منافع ملی مردم این سرزمین را مد نظر دارد، مورد حمایت فلسطینیان اعم از مسلمان، یهودی و عیسوی است. مسیحیان کرانه باختری در همدردی با مردم غزه و مبارزه حماس از برگزاری جشن تولد عیسی مسیح در محل تولدش در بیت لحم در سال ۲۰۲۳ خودداری کردند. فلسطین یکپارچه در مقابل صهیونیسم و امپریالیسم و نوکران آنها ایستاده است. همدردی مسیحیان با مردم غزه و حمایت از مبارزه آنها به رهبری حماس به تمام اتهامات تزویرگران و مقتریان مبنی بر «اسلامیست» بودن حماس خط بطلان می‌کشد. این حمایت عیسویان گویای آن است که مسیحیان درک کرده‌اند که ماهیت مبارزه حماس مبارزه‌ای در جهت رهائی ملی و آزادی سرزمین اشغالی فلسطین است.

در مورد «تروریست» خواندن مشخص حماس آنها از جانب حکومت‌های تروریستی ناتو را همه شنیده‌اند. از همان روز نخست عملیات قهرمانانه ۷ اکتبر که اسرائیلی‌های ریاکار با ابزار انحصاری تبلیغاتی خود تلاش کردند آن عملیات را جنایت‌کارانه جلوه دهند و موجی از تبلیغات بر ضد سازمان «تروریستی» حماس به راه انداختند که گویا سر ۴۰ کودک یهودی را بریده‌اند و به زنان حین حمله تجاوز کرده‌اند، حکومت اسرائیل متزلزل شد و اعتماد عمومی نسبت به شکست‌ناپذیری و هشیاری خود را از دست داد. صهیونیست‌ها با این کار تبلیغاتی خود در واقع قیاس به نفس می‌کنند زیرا خود آنها بودند که کودکان فلسطینی را ترور می‌کردند زیرا آنها را تروریست‌های فردا معرفی می‌نمودند. عقل سالم از خود می‌پرسد که در آن بحبوحه پیکار و شبیخون که چند روز طول کشیده و حدود ۱۴۰۰ نفر کشته از هر دو طرف به جای گذارده است چه جای تجاوز جنسی وجود دارد؟ اسرائیل تلاش دارد با پخش وسیع دروغ از دامنه تحقیر و بی‌آبرویی و غافل‌گیری خویش بکاهد. امریکا و اسرائیل در اثر غافل‌گیری قادر نبوده‌اند به مدیریت این بحران بپردازند و از این چاله به آن چاه می‌روند. نشریه اشپیگل می‌نویسد: «در یک همه‌پرسی توسط موسسه‌ی فلسطینی

همه‌پرسی «پی اس آر» (PSR) ۹۰ درصد فلسطین‌ها ادعای انجام وحشیگری توسط حماس را رد کردند» (مجله اشپیگل المان شماره ۵۱ مورخ ۱۶/۲۳/۱۲۰۲۳).

صهیونیست‌های اسرائیل فکر می‌کردند در همان هفته نخست با هجوم به نوار غزه، بمباران، کشتار بربرمنشانه «انسان‌نماها»، نسل‌کشی، کودک‌کشی می‌توانند شاهد پیروزی را در آغوش کشند. آنها حتی برای سیاستشان فاقد یک برنامه راهبردی هستند و نمی‌دانند که جنگ را در کجا و با چه شروطی باید پایان دهند. آنها که آینده و بقاء خود را در این درگیری می‌بینند سراسیمه به دست و پا زدن مشغولند. اسرائیل که هنوز از ضربه ۷ اکتبر گیج است، بدون دورنما به پیش می‌رود و فقط نسل‌کشی کرده و رجزخوانی می‌نماید که عملش باعث شده تمام دژ مسخره لیبرالیسم غرب در دفاع دروغین از حقوق بشر، آزادی، دموکراسی، حقوق ملل و... فرو ریخته و قابل بازسازی نباشد. چهره دنیا رنگ دیگری به خود گرفته است که روند چندقطبی شده جهان را تشدید می‌کند. ولی این نبرد غافل‌گیرانه مبارزه میان دو ارتش نیست، به نبردی فرسایشی بدل شده که اسرائیل در آن نه تجربه‌ای دارد و نه توان ادامه آن را خواهد داشت. آنها از همان بدو امر با اتهامات و تبلیغات مبنی بر «تروریستی» خواندن سازمان مقاومت اسلامی حماس، مطبوعات جهان حتی مطبوعات برخی محافل و گروه‌های «مارکسیست-لنینیست»ها را از این اتهامات مملو ساختند. هدف آنها این بود که مبارزه آزادیبخش مردم فلسطین به رهبری سازمان حماس را مبارزه تروریستی جلوه دهند. این تبلیغات ترجیح‌بند همه تبلیغات ممالک غربی بود. به یاد داشته باشیم که مبارزه مردم فلسطین فقط در چارچوب سازمانی حماس صورت نمی‌گیرد. سازمان‌های دیگری از جمله جهاد اسلامی، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه دموکراتیک خلق برای رهائی فلسطین و چندین سازمان دیگر نیز در این مبارزه مشترک آزادیبخش شرکت دارند. و این در حالی است که جامعه جهانی که اکثریت ممالک و مردم جهان را تشکیل می‌دهند به واقعیات تکیه کرده و از مبارزات آزادیبخش سازمان حماس دفاع می‌کردند و می‌کنند. کسانی حماس را «تروریست» می‌خوانند که از تروریست‌های داعش در سوریه دفاع کرده، ترور آنها در ایران را تأیید نموده از حضور آنها در افغانستان و جمهوری آذربایجان در کشتار ارامنه حمایت نموده و آنها را لای پست پیاز برای ماموریت‌های بعدی خوابانده‌اند.

بدا به حال مزدوران ایرانی صهیونیسم و چپ‌های ضدکمونیست که با تروریست خواندن حماس، آماج حمله قرار دادن مبارزه وی، هم‌تراز قرار دادن مبارزه آزادیبخش آنها با زورگویی استعمارگرانه و اشغال‌گرانه صهیونیسم در قالب تبلیغاتی نظیر این که «هر دو قطب ارتجاعی‌اند» که متن و روح نوشته آنها بیش‌تر بر ضد حماس است تا صهیونیسم اسرائیل، در مقابل واقعیات جدیدی قرار می‌گیرند که ناچارند با به ابعاد دروغ‌های خویش وسعت دهند یا این که واقعیات را کتمان کنند. مزدور همواره سنگ روی یخ باقی می‌ماند زیرا ارباب آنها بسیار واقع‌بینانه‌تر عمل می‌کند و نمی‌تواند خود را همواره در عرصه هوچیگرایی پنهان کند. این واقعیت چیست؟ بعد از این که حماس قدرت خویش را در رهبری مردم فلسطین، اعتماد آنها که به اعتراف تمام ماشین سرکوب ارتجاع جهانی ۸۰ درصد مردم فلسطین را در بر می‌گیرد نشان داد و بعد از این که این مبارزه ماه‌ها طول کشیده و بر خلاف تبلیغات صهیونیسم پایانی بر آن متصور نیست، این پرسش مطرح شده است که اگر نابودی حماس مقدور نباشد، که مسلماً نیست، طرح هر پیشنهاد و راه حلی که منجر به آتش بس و یا آینده سرزمین فلسطین شود بدون مذاکره با حماس یعنی همان سازمان «تروریستی» که در غرب ممنوع اعلام شده است وجود ندارد. این بدان معناست که دول غربی باید به تدریج از این تئوری من درآوردی «تروریست» بودن حماس فاصله گرفته و این سازمان را به عنوان نماینده مردم فلسطین به رسمیت بشناسند و گرنه صحبت از مذاکره با افراد خیالی و یا مترسک‌های بی‌اعتباری نظیر محمود عباس حرف مفت بوده و برای کسی قابل پذیرش نیست. بدیل دیگری به جز سازمان آزادیبخش حماس به عنوان نماینده واقعی مردم فلسطین وجود ندارد. به همین

جهت اگر با دقت به اخبار رسانه‌های امپریالیستی گوش فرادهید و مطبوعات آنها را زیر ذره‌بین بگیرید می‌بینید که دیگر از سازمان حماس به عنوان سازمان «تروریستی» به ندرت صحبت می‌شود و یک تغییر لحن به روشنی در گفتار و سیاست آنها مشهود است. لحن گفتار در برنامه‌های خبرگزاری بی بی سی که تا دیروز قابل تحمل نبود، در این زمینه بسیار گویاست: «اسرائیل در یک مردابی گرفتار شده که هیچ راه خروج ندارد؛ آنها در این جنگ هیچ دستاوردی نداشتند و تاکنون حماس برنده این جنگ بوده است؛ نابودی حماس غیر ممکن است!»

«پیش‌بینی‌های ارتش اسرائیل در مورد شکست و خلع سلاح سازمان حماس و آزادی گروگان‌ها غلط از آب درآمد و امروز مجبور است با مذاکره و امتیاز دادن به حماس مسئله گروگان‌ها را حل کند. از طرفی افکار عمومی جهان نیز کاملاً علیه اسرائیل چرخش کرده است.»

آنها از حماس و مبارزه «تروریست‌ها» سخن می‌رانند و به تدریج دارند این تئوری را جا می‌اندازند که حماس از دو جناح تشکیل شده است جناح «تروریست»ها و جناح غیرتروریستی و مذاکره با حماس به مفهوم مباحثات با تروریسم نبوده بلکه تقویت جناح «خوب» حماس است.

ظاهراً از نظر بین‌المللی کشور قطر و اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس و ساکن قطر نماینده جناح خوب و «واقع‌بین و معتدل» و یحیی سنوار رهبر گردان قسام، رهبر جناح خشونت طلب و عامل جمهوری اسلامی ایران است. آنها قبلاً تلاش داشتند که محمود عباس بی‌آبرو را به عنوان نماینده مردم فلسطین جا زده و با وی برای سازشکاری به مذاکره بنشینند. مذاکراتی هم با وی به عنوان نماینده مردم فلسطین از طرف مقامات سیاسی سایر ممالک صورت گرفت که پیش‌پزی ارزش نداشت و ندارد زیرا محمود عباس مورد نفرت مردم فلسطین بوده و فاقد پایه اجتماعی است و درست به این جهت توافقات وی فقط مرکب بی‌ارزش بر کاغذ صبور است. ممالک اروپائی بعد از این که در جریان جنگ دو ماهه به بی‌نفعی محمود عباس و نفرت فلسطینی‌ها از وی عمیقاً پی‌بردند از وی رویگردانده و عملاً رضایت دادند که وی در اثر مبارزه قهرمانانه مردم فلسطین به زباله‌دان تاریخ پرتاب شود. امروز تنها بدیل مذاکره با دشمنان مردم فلسطین سازمان حماس است. دیر یا زود یاران اشغال مستمر فلسطین باید بپذیرند که با سازمان حماس به مذاکره بنشینند و حتی در مورد آینده نوار غزه و سرزمین فلسطین صحبت کنند. پایان این منازعه دو طرف دارد. این یک خوش‌خیالی است وقتی صهیونیست‌ها فکر می‌کنند با قتل عام یک و نیم میلیون فلسطینی از «دست حماس» خلاص می‌شود. حماس نام نیست یک ایده، ایده آزادی فلسطین است. با مرگ شوقیری و با درگذشت یاسر عرفات هم ایده آزادی فلسطین که سال‌ها قبل از ظهور حماس وجود داشت از بین نرفت. نسلی که امروز بر تل خاک غزه پرورش می‌یابد مسلماً در سال‌های آینده متکی بر تجربیات گذشته، دامنه‌دارتر، عمیق‌تر، وسیع‌تر و با حمایت عظیم جهانی در میان ملت‌های عرب مسلمان و غیرمسلمان روبروست. صهیونیسم دارد گور خود را می‌کند.

ما با تشدید تناقضات و اختلافات میان اتحادیه اروپا و امریکا در برخورد به تبهکاری‌های اسرائیل در فلسطین اشغالی روبرو هستیم که حتی این تضادها را در برخورد به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز نشان می‌دهند. برخی از ممالک اروپائی نظیر ایرلند، پرتغال، اسپانیا، بلژیک به صراحت و برخی به صورت ضمنی حاضر نیستند از سیاست امریکا و بخشی از اروپا نسبت به جنایات صهیونیسم در فلسطین دفاع کنند. حتی وزیر خارجه دهان دریده المان خانم بربوک ناچار شده چاک دهانش را کمی بکشد و گفتار خویش را سنجیده انتخاب کند. گرچه سرکوب مخالفان اسرائیل در المان بیداد می‌کند، ولی در سیاست خارجی ناچارند لحن دیگری اتخاذ کنند. همه این شواهد حاکی از آن است که عنقریب همه این ممالک به مذاکره با سازمان حماس که دیگر نمی‌توانند آن را «تروریستی» بخوانند تن در خواهند داد و این برای چپ ضدکمونیست و ایرانی‌های مزدوری که خود را در دفاع از صهیونیسم پشت سنگر «مبارزه

ارتجاعی دو قطب» پنهان کرده‌اند بسیار ضربه بزرگی خواهد بود. ما با شگفتی منتظریم ببینیم این مزدوران و یاور صهیونیست‌ها برای استحمار اعضاء و هواداران خود، دیگر چه استدلالی از انبان اتهامات خویش بیرون می‌کشند.